

خون، جنون و بی‌اعتمادی

چرا مردم آمار رسمی شهیدان ۱۷ شهریور را باور نکردند؟



مهرداد خدیر
معاون سردبیر

در چهل و هفتمین سال‌روز واقعهٔ خونین ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در میدان ژالهٔ تهران می‌توان آن را تیر خالص به رژیم پهلوی دانست؛ واقعیتی که سلطنت‌طلبان برانداز زبان باز کرده در سال‌های اخیر به عمد به آن نمی‌پردازند و مدعی‌اند اگر حکومت شاه دست به سرکوب مخالفان و معترضان می‌زد انقلاب گسترش نمی‌یافت یا به پیروزی نمی‌رسید و از ۱۷ شهریور عبور می‌کنند! حال آن که اتفاقاً تجربهٔ ۱۷ شهریور سبب شد در قبال تبعات سرکوب‌های خونین دیگر نگران باشند. موفقیت هر سرکوب به سه عامل بستگی دارد: نخست، ارادهٔ سرکوب، دوم: توان سرکوب و سوم ابزار و تکنیک آن. هر گاه یکی از این سه غایب باشد سرکوب به نتیجه نمی‌رسد و می‌دانیم که رژیم شاه اگر چه ارادهٔ سرکوب داشت اما فاقد توان و تکنیک آن بود.
توان به معنی توجیه نیروهای مقابل‌ه است و تکنیک هم روش‌های مدرن که در دیگر کشورها به کار گرفته می‌شد نه این که تانک و سرباز ارتش را به خیابان بیاورند.

حکومت نظامی در دولت آشتی ملی

تعارض اصلی جمعهٔ سیاه با دولت آشتی ملی بود چراکه جعفر شریف امامی آمده بود تا با روش‌های سیاسی بر بحران فائق آید و اگر قرار بر سرکوب خونین بود چرا دولت نظامی تشکیل نشده بود؟ آخر دولت آشتی ملی با حکومت نظامی به ریاست ارتشبد غلامعلی اویسی چه نسبتی می‌توانست داشته باشد؟ شگفت این که شاه این اشتباه را در نیمهٔ آبان و تنها دو ماه بعد هم تکرار کرد. در پیام تلویزیونی که گویا رضا قطبی برای او نوشته بود قول داد اشتباهات گذشته تکرار نخواهد شد و رو به دوربین گفت: «صدای انقلاب شما را شنیدم» در حالی که شخص آیت‌الله خمینی خود از لفظ «جنش» یا «نهضت» استفاده می‌کرد و شاه مدعی «انقلاب سفید» بود ولی حالا صریح و روشن به دفعات اعتراضات مردم را انقلاب توصیف کرده بود. منتها به جای آن که زمینهٔ تحقق وعده‌ها را فراهم سازد دولت نظامی تشکیل داد و در حالی که قرار بود دولت را به همان اویسی بسپارد در ساعات آخر گزینه تغییر کرد و ارتشبد غلامعلی ازهرای به عنوان نخست‌وزیر معرفی شد که اراده سرکوب داشت و توان و تاکتیک آن را نه.

توطئهٔ رضا قطبی؟

۱۷ شهریور نزد برخی البته معماست، این که چرا اعلامیهٔ برقراری حکومت نظامی در تهران را به جای شامگاه پنج‌شنبه ۱۶ شهریور صبح جمعه ۱۷ شهریور از رادیو خواندند در حالی که تظاهرکنندگان به‌سوی میدان ژاله در حرکت بودند و خبر نداشتند (و آن را توطئهٔ سوم قطبی می‌دانند در کنار پخش تلویزیونی محاکمهٔ خسرو گل‌سرخ‌ی در ۵ سال قبل و پیام شاه در دو ماه بعد از ۱۷ شهریور). این که روز قبل آژان راه‌پیمایی بعد از نماز عید فطر به امامت دکتر محمد مفتاح در تپه‌های قیطریه با به مسالمت‌برگزار شده بود و تجمع در میدان ژاله به دعوت روحانیت مبارز صورت نمی‌پذیرفت و اگر میدان ژاله با نام شیخ حبیبی نوری مشهور به علامه نوری گره خورده به خاطر آن است که خانهٔ او در نزدیکی محل تظاهرات و کشتار واقع بود و در طیف چهره‌هایی چون طالقانی و بهشتی و مطهری و مفتاح تعریف نمی‌شد و شهرت او بیشتر به خاطر اطلاعیه‌هایی تشریف به دین اسلام از جانب بهائیان در روزنامه‌ها بود که در آنها از آقای نوری هم یاد و تشکر می‌شد. او البته اهل قلم زدن در روزنامه‌ها هم بود و در راه‌پیمایی‌های تاسوعا و عاشورا هم شرکت داشت اما در حضور روحانیونی که به عنوان سران انقلاب شناخته می‌شدند چندان به چشم نیامد و امام خمینی هم حکم و مأموریتی به او نداد.

۲۲ روز بعد از مصاحبه

اهمیت ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ را هنگامی بیشتر درمی‌یابیم که به یاد آوریم شاه به مناسبت سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دوروز قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ یک کنفرانس خبری برپا کرد و در آن شمار معترضان را دو سه نفر (۱) -و نه حتی دو سه هزار نفر- ذکر کرده بود. منتها فاجعهٔ سینماکس آبادان در دست هم‌زمان با جشن نورزای پهلوی‌ها در تهران فضا را ملتهب کرد و در حالی که انتشار خبر و تصویر امام خمینی در نیم‌صفحه‌اول کیهان و سفر رهبر وقت چین به ایران از آشتی و ثبات خبر می‌داد و تنها ۱۲ روز قبل از ۱۷ شهریور دولت شریف‌امامی شکل گرفته بود کشتار میدان ژاله تهران داستان را به کلی تغییر داد و تمام جامعه را علیه حکومت شوراند تا جایی که خواندند و سرودند: «ژاله خون شد، خون جنون شد، زین جنون سلطنت واژگون شد...» چندی بعد روزنامه‌ها به اعتصابی کوتاه‌مدت رفتند و پس از آن مانند قبل دیگر اخبار شاه و خاندان سلطنت را بزرگ‌نمایی نمی‌کردند. شخص شاه هم در نطق افتتاحیه دانشگاه‌ها نطق پرت و بی‌ربطی ایراد کرد که نشان می‌داد تا چه حد متحیر و آشفته است. برخی این گونه تحلیل می‌کنند که در غیاب اسدالله غلم که عقل منضصل شاه به حساب می‌آمد شاه به هر دو گرایش -سرکوب و گشایش- میدان داد تا ایده‌های خود را اجرایی و اوضاع را کنترل کنند. شریف‌امامی پروژهٔ آشتی ملی را جلو برد و ارتشبد اویسی هم سرکوب خونین را! حال آن که این دو قابل جمع نیستند.

ازهرای به جای اویسی

از خاطرات هوشنگ نهناندی این گونه برمی‌آید که اویسی در واقع برای تشکیل دولت نظامی خود را آماده می‌کرده و کاندیدای نخست‌وزیری پس از شریف‌امامی بوده ولی در دقیقهٔ ۹۰، ارتشبد ازهرای جای او را می‌گیرد و نخست‌وزیر می‌شود. به عبارت دیگر با اعلام حکومت نظامی در تهران عملاً دو دولت شکل می‌گیرد: یکی دولت شریف‌امامی که با واقعهٔ ۱۷ شهریور بی‌آبرو شد و دیگری دولت پنهان ارتشبد اویسی که می‌خواست با دولت نظامی آشکار شود و چنان که گفته شد آمادهٔ دریافت فرمان بود اما ازهرای جای او را گرفت که با بلاهت سیاسی شناخته می‌شد. گویا زور جناح دیگر درون حاکمیت و خط فرح-نزاقی-قطبی-نصر می‌چرید که معتقد به پذیرش اعتراض و انقلاب بودند و نه سرکوب آن هم به سبک اویسی و به شیوهٔ ۱۷ شهریور و خواستار بازداشت هویدا، همایون و نصیری به عنوان سه چهرهٔ اصلی مسبب اعتراضات می‌شوند. (ولی به خاطر فساد، دومی مغالۀ روزنامهٔ اطلاعات و سومی هم رفتار سلاواک) و شاه نیز آن پیام را می‌خواند:

«صدای انقلاب شمارا شنیدم!» و می‌پذیرد که اشتباهاتی مرتکب شده و با این حال دولت نظامی را روی کار می‌آورد!

شریف امامی، فروغی نشد

انتخاب شریف‌امامی که به عنوان رئیس مجلس سنا شریک شاه به حساب می‌آمد و به فساد مالی شهرت داشت از اشتباهات شاه در آن مقطع است. او که به اصالت انقلاب باور نداشت گمان می‌کرد زیر سر انگلیسی‌هاست و احتمالاً سراغ یک مهرهٔ قدیمی بریتانیا و مشهور به عضویت در فراماسونری رفته بود تا اعتماد انگلیسی‌ها را جلب کند تا به شیوه پدرش خود را نجات دهد. همان گونه که رضاشاه ۲۷ سال قبل و در شهریور ۱۳۲۰ سراغ نخست‌وزیر قدیمی خود-محمدعلی فروغی- رفته بود تا با تدبیر او سلطنت نجات یابد. این راهکار در جریان جنگ جهانی‌گر دوم و اشغال ایران، البته نتیجه داد و تدبیر فروغی هم محمدرضای ۲۲ ساله را بر تخت نشاند و هم ایران را از یک کشور اشغال‌شده به پل پیروزی متفقین تبدیل کرد. شریف‌امامی هم در شهریور ۱۳۵۷ دوباره نخست‌وزیر شد اما از عهدهٔ کار برنیامد چون بحث اشغال و جنگ در میان نبود. بلکه شعله‌های یک انقلاب واقعی در گرفته بود. اگر هم فروغی ارتباطاتی با بریتانیایی‌ها داشت ولی به نفع حفظ تمامیت ایران به کار برد و شریف امامی کجا و ذکا، الملک، کجا؟!

شعر کسرایی و صدای شجریان

بارزترین نشانهٔ تفاوت همین که هنرمندانی که برای یک فستیوال هنری باید راهی مسکو می‌شدند با استعفا از رادیو سفر را لغو کردند و در زیرزمین خانهٔ محمدرضا لطفی گرد آمدند و دسته‌جمعی ناوختند و خواندند و یکی از محصولات این زیرزمین همین تصنیف «ژاله خون شد»- سرودهٔ سیاوش کسرایی- بود. در دستگاه چهارگاه با صدای محمدرضا شجریان و همراهی کم‌نظیر گروه کر که هیچ نمونهٔ مشابهی در تاریخ موسیقی معاصر نداشت:

ژاله بر سنگ افتاد، چون شد / ژاله، خون شد
خون، چه شد / خون چه شد / خون، جنون شد
ژاله خون کن / خون، جنون کن!
سلطنت، زین جنون، واژگون کن
ژاله بر گل نشان، گل‌پران کن
بر شهیدان زمین، گلستان کن / نام گمنام‌ها جلودان کن
تا به صبح آید این شام تیره / در شب تیره آتش فشان کن...

آمار درستی که باور نشد

اگرچه همهٔ موارد پیش گفته قابل تأمل است اما دربارهٔ ۱۷ شهریور ۵۷ موضوعی دیگر هم مطرح است: این که همان شب، فرمانداری نظامی آمار کشته‌ها و مجروحان را با دقت و منطق با گزارش پزشکی قانونی اعلام کرد ولی مردم نپذیرفتند و این شمرهٔ سال‌ها استفاده تبلیغاتی از رسانه‌ها بی اعتمادی مردم به آنها بود. بله، آنچه در اطلاعیهٔ فرمانداری نظامی تهران دربارهٔ تعداد کشته‌ها ذکر شده بود دقیق و «درست» بود و تعداد شهدا با احتساب مجروحانی که بعدتر به شهادت رسیدند نزدیک به همان ۱۰۰ نفر است نه آن چند هزار نفر که مردم و سیاست‌مین می‌گفتند. چنانچه در صفحات اول روزنامه‌های ۱۸ شهریور ۱۳۵۷ ثبت شده آمار کشته‌ها (شهیدان) تا ساعت ۱۷:۳۰ و مطابق اطلاعیه شماره چهار، ۵۸ نفر است که البته تا شب بالاتر رفت. منتها چون ۱۰۰ کشته در تظاهرات شهری عدد بالایی است در اندازهٔ چند هزار نفر در نظر آمد. خصوصاً این که تنها سه روز قبل و پس از نماز عید فطر در راه‌پیمایی از تپه‌های قیطریه هیچ بر خوردی صورت نگرفته بود. مهم‌تر این که مردم در طول سال‌ها به رسانه‌های حکومتی بی اعتماد شده بودند و از این‌رو آمار درست ۱۰۰ نفر را باور نکردند.

میشل فوکو و آمار ۴۰۰۰ نفر

یکی از دلایل دیگر این بود که میشل فوکو متفکر پرآوازهٔ فرانسوی که بعدتر به ایران آمد و انقلاب ایران را «انقلابی در جست‌وجوی معنی و نه مطابق آموزه‌های مارکسیستی» توصیف کرد بارها از ۴ هزار کشته در ۱۷ شهریور سخن به میان آورد بی‌آن که مشخص کند منبع او کدام است در حالی که در آن روز هم در تهران نبوده است و ۲۴ شهریور آمد و تا دوم مهر ماند. بار دیگر هم در ۱۸ آبان به ایران سفر کرد و این بار هم یک هفته ماند. مطابق یافته‌های تحقیقاتی که بنیاد شهید تکذیب نکرده تعداد کل شهدای سال ۱۳۵۷ و حتی تمام شهیدان انقلاب از ۲۲ تا ۵۷ هزار چهار هزار نفر نیست چه رسد به ۱۷ شهریور. ضمن این که قریب به اتفاق آنان، ساکن تهران بودند و در بهشت زهرا به خاک سپرده شده‌اند و تعداد کاملاً مشخص است.

بی‌اعتمادی به رسانه‌های رسمی

می‌توان گفت اگر مردم به رسانه‌های رسمی اعتماد داشتند آماری را که همان شب اعلام شد باور می‌کردند. هر چند این نکته را هم نباید نادیده انگاشت که مردم ما چندان اهل عدد و رقم نیستند. کما این که در مقدمهٔ قانون اساسی هم آمار شهیدان انقلاب ۶۰ هزار نفر ذکر شده و به گواه مطبوعات سال ۵۸ هیچ‌کس در این عدد تردید نکرد و نپرسید وقتی رهبری انقلاب آن را که تلفات توصیف کرده بود، عدد ۶۰ هزار از کجا آمده و همین حالا که نام شهیدان بر کوچه‌ها و خیابان‌ها نشسته کافی است بررسی کنیم تا ببینیم مربوط به انقلاب و خصوصاً سال ۵۷ است یا جنگ هشت‌ساله.

مثال روشن؛ نسبت ۶۳ نفر به ۸۰۰۰ نفر

تنها یک هفتنه کافی است. هفتنه پیش‌کنگرهٔ ۸۰۰۰ شهید استان گیلان در رشت برگزار شد در حالی که می‌دانیم از این ۸۰۰۰ شهید تنها ۶۳ نفر به قبل از ۲۲ بهمن ۵۷ تعلق دارند و بقیه مربوط به جنگ ۸ ساله شامل جنگ شهرها و تروورها و کور و این اواخر شهدای مدافع حرم است و تازه از آن ۶۳ شهید گیلان در جریان انقلاب ۶ نفر مربوط به میدان ژاله و ۱۷ شهریور است. ۱۷ شهریور هم دولت شریف‌امامی را بی اعتبار کرد و هم بی اعتمادی مردم به رسانه‌های رسمی سبب شد آمار واقعی و درست را باور نکنند و تا ۱۵ هزار نفر هم در افواه چرخید و جایی برای مصالحه باقی نگذاشت. هر چند این گفتار تاریخی و سیاسی است اما برای آن که بدانیم طی این چند دهه تا چه حد فرهنگ و باورها تغییر کرده کافی است اشاره کنیم برای نسل ما تعبیر «جمعهٔ سیاه» یادآور ۱۷ شهریور ۵۷ بود در حالی که بجه‌های امروز به تبعیت از غرب این اصطلاح را برای جمعهٔ نزدیک به پایان سال میلادی به کار می‌برند که کالاهار در فروشگاه‌ها رازان تر عرضه می‌کنند!

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش یک



عکس: leader.ir

مقام معظم رهبری در دیدار هیات دولت تاکید کردند

فرصت اجماع سازی

از کم کاری و موازی کاری، سرگرم مسائل متفرقه نشویم، مشکلات، نه در درازمدت بلکه در میان مدت، حتماً حل خواهد شد.

باید بر حالت «نه جنگ، نه صلح» غلبه کرد

ایشان اقدامات بسیار جدی‌تر در عرصه اقتصادی و معیشت مردم را ضروری برشمردند و تأکید کردند: در حل مشکلات نباید منتظر تحولات بیرونی بود؛ البته هرکس وظیفه‌ای در این زمینه دارد انجام می‌دهد اما باید با انگیزه و همت و امید و روحیه‌ی کار و تلاش، بر حالت «نه جنگ نه صلح» که دشمن درصدد تحمیل آن است، غلبه کرد؛ چراکه این حالت برای کشور ضرر و خطر دارد.

آیت‌الله خامنه‌ای تقویت مؤلفه‌های قدرت ملی و عزت ملی را وظیفه دولت‌ها دانستند و افزودند: مهمترین این مؤلفه‌ها، روحیه و انگیزه و یکپارچگی و امیدواری ملت است که باید در حرف و در عمل، این عوامل را ایجاد و تقویت کرد و مانع تضعیف آنها شد.

توجه به اولویت‌بندی صحیح کارها، توصیه دیگر رهبر انقلاب به هیأت دولت بود. ایشان گفتند: تعیین اولویت‌ها از خطوط اصلی مدیریت است که در این مسئله باید به دو عامل «فوریّت» و «زیرساخت بودن» مسائل توجه کرد. آیت‌الله خامنه‌ای با تشکر از عارف معاون اول رئیس‌جمهور به‌خاطر تحرک و تلاش و تشکیل جلسات پیگیری تصمیمات دولت، افزودند: دولت‌ها مسئول تأمین نیازهای عمومی و مشترک مردم هستند؛ مانند معیشت، امنیت، بهداشت، فرهنگ و سبک زندگی که باید در این عرصه‌ها، اولویت‌ها و صرف‌ف‌های اساسی را به دقت تعیین کرد.

رهبری تحقق اهداف، معارف و شرایع اسلامی را اساس تشکیل نظام خواندند و گفتند: امام از روز اول همین مبانی را مطرح کرد و اگر کسی چیز دیگری بگوید، خلاف گفته است.

همدلی سه قوه تحسین برانگیز است

ایشان، پیگیری تصمیمات را تا رسیدن به نتیجه، از مهمترین کارها دانستند و گفتند: رئیس‌جمهور با سفرهای استانی، رفتن به وزارت‌خانه‌ها و تماس نزدیک با مردم و مدیران، این پیگیری را انجام می‌دهد اما لازم است این روحیه در

بازتاب

واکنش شهرداری به گزارش لغو کنسرت همایون شجریان

درخصوص برگزاری کنسرت همایون در میدان آزادی به شهرداری تهران ابلاغ نشده است. دیگر دستگاه‌های خدمت‌رسان مانند پلیس و اورژانس نیز در گفت‌وگو با رسانه‌ها از بی‌خبری مطلق از اراده دولت محترم برای برگزاری کنسرت خبر داده بودند.

۳

نهم شهریورماه (یعنی چهار روز پیش از اجرای کنسرت) معاون محترم وزیر ارشاد با ارسال نامه‌ای به معاون وزیر کشور، به کاستی‌های فراوان میدان آزادی برای میزبانی از جمعیت مشتاق شرکت در برنامه اشاره و از یک مقام دولتی دیگر تقاضای فراهم کردن امکاناتی مثل «صوت» یا «سرویس بهداشتی بسیار» می‌کند. معاون وزیر کشور نیز در مکاتبه جداگانه‌ای به همان تاریخ، از استاندار تهران می‌خواهد تا با رازبانی با دستگاه‌های خدمت‌رسان -از جمله شهرداری تهران- آرای آنان را درخصوص برگزاری کنسرت روز جمعه جویا شود. تأکید می‌شود هیچ مکاتبه رسمی از جانب وزارت ارشاد خطاب به شهرداری تهران صورت نپذیرفته است.

۴

شهرداری تهران در پاسخ به استعلام استانداری در کنار دیگر دستگاه‌های خدمت‌رسان، از قبیل پلیس، اورژانس و دستگاه‌های امنیتی، فرصت کوتاه تا برگزاری برنامه را مانع از میزبانی شایسته از شهروندان

گروه خبر: مقام معظم رهبری عصر دیروز در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، با اشاره به ضرورت تقویت مؤلفه‌های قدرت و عزت ملی، «معیشت مردم» را از مهمترین مسائل کشور خواندند و با تأکید بر اقدامات جدی‌تر برای «انضباط بازار» و رفع دغدغه مردم درباره افزایش بی‌ضابطه قیمت کالاها، در زمینه ضرورت «غلبه فضای کار و تلاش و امید» بر «حالت نه جنگ نه صلح»، تقویت تولید، پیگیری تصمیمات تا حصول نتایج، استفاده از فرصت موجود اجماع‌سازی برای انجام کارهای مهم، حل مشکل مسکن، پرهیز از اسراف به‌ویژه در دستگاه‌های دولتی و توجه مسئولان و اصحاب قلم و بیان به تبیین نقضات قوت حقیقی و امیدآفرین کشور و جامعه، توصیه‌های مهمی بیان کردند.

ایشان همچنین با اشاره به جنایات و فاجعه‌آفرینی حیرت‌انگیز رژیم صهیونیستی در غزه، راه مقابله با این وضعیت را قطع روابط تجاری و سیاسی کشورهای معترض به‌خصوص کشورهای اسلامی با این رژیم دانستند.

تقدیر رهبری از اقدامات دولت در جنگ ۱۲ روزه

آیت‌الله خامنه‌ای با تشکر از رئیس‌جمهور، مسئولان، مدیران و کارکنان فعال مجموعه دولت -به‌ویژه دستگاه‌هایی که در آزمون ۱۲ روزه جنگ به معنای حقیقی کلمه فداکاری کردند- «انگیزه»، «روحیه» و «ایرکاری» رئیس‌جمهور را مورد تقدیر قرار دادند و افزودند: سفر بسیار خوب آقای پزشکیان به چین، زمینه‌های بالقوه اقتصادی-سیاسی به همراه آورد که این نتایج مفید باید پیگیری شود.

ایشان مسئولانی که با مردم حرف می‌زنند و اصحاب قلم و بیان را به «روایت قدرت، قوت و تشریح امکانات فراوان کشور» و «پرهیز از روایت ضعیف و ناتوانی» توصیه کردند و افزودند: علاوه بر مسئولان و اصحاب قلم و بیان، مطبوعات و صداوسیما هم در این زمینه وظیفه دارند.

مقام رهبری، سخنان رئیس‌جمهور در این دیدار را نمونه‌ای از روایت «قدرت و امید و توانایی» دانستند و گفتند: انگیزه و همت و روحیه قوی، زمینه‌ساز تحقق خواسته‌ها و اهداف است.

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به لزوم بهره‌گیری از هر ساعت فرصت گذاری خدمت به مردم، گفتند: اگر فرصت خدمت را قدر بدانیم و با پرهیز

مرکز ارتباطات وامور بین الملل شهرداری تهران پیرو انتشار مطلبی باعنوان «بررسی مسیری که به لغو کنسرت خیابانی همایون شجریان انجامید/بستن راه آزادی» مورخ ۱۳ شهریورماه ۱۴۰۴، جوابیه‌ای بدین شرح ارسال کرد:

گزارش‌گر روزنامه هم‌میهن ادعا کرده است که «شهرداری تهران به فاصله دو روز به برگزاری کنسرت رایگان همایون شجریان در میدان آزادی تصمیم به لغو آن گرفت.» در این‌باره موارد زیر برای آگاهی افکار عمومی تقدیم می‌گردد:

ظاهرآ نویسنده روزنامه در جریان نیست که متولی اجرای کنسرت همایون شجریان، نه شهرداری تهران، که دولت محترموزارت‌فرهنگ و ارشاد اسلامی است! در واقع ادعای آنکه مجموعه مدیریت شهری برنامه طراحی‌شده دولت را لغو کرده‌ا در بهترین حالت ناشی از عدم آگاهی آن روزنامه از ساخت قدرت در جمهوری اسلامی است. در واقع تلاش برای القای این تصویر که دولت محترم جناب آقای دکتر پزشکیان، برای برگزاری یک کنسرت در پایتخت محل حکومتشان تهران، معطل مجوز یا همکاری شهرداری است، تخفیف جایگاه آقای رئیس‌جمهور است. به کام هرکسی هم که باشد، به نفع دولت‌مورد پشتیبانی آن روزنامه هم نیست.

چنان که پیشتر نیز با انتشار تفصیل مکاتبات دولتی اعلام شده بود، پیشتر از ۹ شهریورماه، هیچ مکاتبه یا اطلاع رسمی

۲